روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
دوشنبه | ۲۶ آبان ۱۴۰۴ | ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۴۴۶۵ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان
| ۱۱۹۱ سال و ۷۷ روز گذشت |
VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4465 | MON.NOV.17, 2025 | ISSN:2008-2886

گفت‌وگو با ساجده تقی‌زاده، نویسنده کتاب «خانوم ماه» که بزودی از تقریظ رهبر انقلاب بر آن رونمایی خواهد شد

عاشقانه‌ای آرام‌سوز

صفحه ۸

پاسخی از جنس طلا به اعتماد مربیان تیم ملی تکواندو

سلام ساینا به قهرمانی

صفحه ۶

وزیر امور خارجه با اشاره به پیشنهاد جدید آمریکایی‌ها برای از سرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای:

مذاکره قاعده دارد

عراقچی در کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» خطاب به آمریکایی‌ها:
اینگونه نیست چیزی را که در جنگ به آن نرسیده‌ای، بتوانی در مذاکره به دست بیاوری و خواسته‌های خودت را تحمیل کنی

رئیس سازمان انرژی اتمی: اولین جایی که اسرائیل بمباران کرد کارخانه‌ای بود که برای رآکتور تهران سوخت صفحه‌ای تولید می‌کرد؛ اطلاعات این مکان فقط در اختیار آژانس بود

صفحه ۲

عکس: میزان/ مهراد اصفهانی

تیترهای امروز

کشورهای اروپایی از ترس حملات روسیه در حال تشکیل واحدهای ویژه حملات پهپادی هستند

آسمان جنگی اروپا

صفحه ۷

اعتراف روزنامه واشنگتن‌پست درباره حمله احتمالی جدید علیه ایران:

جنگ جواب نمی‌دهد

همین صفحه

از تکذیب‌های دولت تا تشکیل سازمان جدید انرژی

بنزین در تعلیق

صفحه ۲

ویژه

«فلسفه فناوری» در اندیشه علامه طباطبایی
تکنولوژی، تقدیر بشر جدید است

نیهیلیسم نهفته در تکنولوژی جدید

صفحه ۵

رونمایی مجسمه‌ای که نقاب غرب‌زدگی را کنار زد

یادداشت
محسن ردادی

در فیلم سینمایی «جانگوی آزادشده»، برده‌داری به نام کالوین کندی با نگاهی تحقیرآمیز بر سیاهان سلطه دارد اما شخصیت جالب‌تری که ساختار تبعیض را تثبیت می‌کند «استیون» است؛ سیاه‌پوستی که بیش از ارباب سفیدپوستش نگران حفظ برتری نژادی است و هم‌نژادانش را تحقیر می‌کند. او حتی در صحنه‌هایی به ارباب توصیه می‌کند سخت‌گیری‌ها را افزایش دهد تا مبادا سیاهان تصور کنند در جایگاهی نزدیک به سفیدپوستان قرار دارند. این تصویر سینمایی، نمونه‌ای روشن از روانشناسی خاصی است که در بخشی از جریان غرب‌زده ایرانی نیز مشاهده می‌شود؛ جریانی که بیش از خود غرب، نسبت به هرگونه خدشه بر برتری ذهنی و نمادین استعمارگران وحشت‌زده می‌شود. هر نماد یا روایتی که موقعیت تاریخی یا فرهنگی غرب را زیر سوال ببرد، آنان را بی‌قرار و آشفته می‌کند.

نمونه اخیر این وضعیت، رونمایی از مجسمه پیروزی شاپور اول بر رومیان در تهران است؛ رویدادی که با حضور گسترده مردم از طیف‌های مختلف همراه شد و فضای آن با اجرای سرودهای حماسی آکنده از غرور ملی، شادی و حس مشترک افتخار به ایران بود اما درست در مقابل این مشارکت مردمی، غرب‌گرایان مسیر کاملاً متفاوتی در پیش گرفتند. رسانه‌های این جریان، در نخستین واکنش، هیچ بازتابی از این تجمع باشکوه منتشر نکردند؛ گویا اتفاقی با این وسعت هرگز رخ نداده است. در مرحله بعد، به تمسخر جریان انقلاب پرداختند و سخن گفتن از ایران را با هویت انقلابی در تعارض نشان دادند. پس از این نیز تحریف تاریخ را به کار گرفتند تا اساس این اقدام فرهنگی را تخطئه کنند. اما واقعیت آن است که تمام ناراحتی و آزردگی آنان از یک نکته ساده نشأت می‌گیرد: این مجسمه، موقعیت غربی‌ها را در برابر ایران، «فروتر» نشان می‌دهد؛ تصویری که جریان غرب‌زده تاب تحمل آن را ندارد. نمونه روشن این حساسیت، واکنش احمد زیدآبادی است که شکست رومیان از ایران را «جنبه آزاردهنده میراث تاریخی(!)» نامیده و حتی خواستار عدم ترویج این واقعه شده است.

در ادامه، چند نمونه از ادعاها و ایرادهایی که برای تخریب این اقدام بجا و باشکوه مطرح شده مرور می‌شود تا تصویر روشن‌تری از این حساسیت غیرعادی ارائه شود.

۱- ادعای تغییر نام خیابان شاپور و فقدان حق نصب مجسمه

برخی رسانه‌ها ادعا کردند انقلابیون سال‌ها پیش نام خیابان شاپور را به وحدت اسلامی تغییر داده‌اند، پس امروز حق ندارند از شاپور تجلیل کنند!

این ادعا از بنیان نادرست است. نام این خیابان در دوره رضاخان به «شاهپور» تغییر داده شد و اساساً ربطی به شاپور ساسانی ندارد. بنابراین تغییر نام خیابان شاهپور، بی‌احترامی به تاریخ ایران نبود.

۲- ادعای اخلاقی و تاریخی زیدآبادی درباره «غرور ناپسند» شاپور

زیدآبادی در یادداشتی نوشت: «به جای آنکه مثلاً مجسمه‌ای از همان منشور کورش کبیر را در مکان‌های عمومی به نمایش بگذارند، سراغ زانو زدن امپراتور والریانوس در مقابل شاپور اول رفته‌اند که به جای آنکه مایه مباهات باشد، از نقطه‌نظر اخلاق ملی و دینی ایرانیان، نشانه غرور و تکبر ناپسند و نوعی بی‌ظرفیتی ناشی از غلبه بر رقیب است». در پاسخ به این ادعا، ۲ نکته اساسی وجود دارد: نخست آنکه نصب استوانه کورش بزرگ اقدامی شایسته است و اگر انجام شود باعث افتخار ایرانیان است اما بد نیست آقای زیدآبادی متن استوانه را مرور کند، زیرا این سند تاریخی در واقع گزارش «فتح بابل» به دست سپاهیان ایرانی است و در آن کورش بزرگ می‌نویسد شاهان مغلوب «را از بهر من (کورش) به بابل اندر آوردند و بر ۲ پای من بوسه دادند». این موضوع از نظر آقای زیدآبادی «نشانه غرور و تکبر ناپسند و نوعی بی‌ظرفیتی ناشی از غلبه بر رقیب» تلقی نمی‌شود؟! اگر جبهه انقلاب استوانه کورش را در تهران نصب کند و رویداد ایران برگزار کند، غرب‌گرایان اشکال اخلاقی و فرهنگی نخواهند گرفت؟!

دوم آنکه رومی‌ها قرن‌ها به ایران حمله کرده بودند و شکست دادن متجاوز، مایه مباهات و نشانه غیرت و وطن‌دوستی است. روایت تسلیم شدن امپراتور متجاوز روم، نه نشانه تکبر، بلکه یادآور دفاع مشروع و عزت تاریخی مردم ایران است.

۳- ادعای ساختگی درباره اهل «روم شرقی» بودن والرین

زیدآبادی در یادداشت دیگری که به شکلی بی‌سابقه تند و هیجانی نوشته شده، چنین ادعا می‌کند: این رخداد مربوط به «امپراتوری روم شرقی است که از غربی بودن فقط مسیحی بودنش را به ارث برده بود!»

این ادعا به وضوح برای کاستن از نسبت این شکست با غرب مطرح شده است. در حالی که امپراتوری روم شرقی سال ۳۹۵ میلادی شکل گرفت اما والرین سال ۲۵۳ میلادی امپراتور شد و نبرد ادسا و اسارت وی، سال ۲۶۰ میلادی یعنی ۱۳۰ سال پیش از تأسیس روم شرقی رخ داده است. واقعیت تاریخی تغییر نمی‌کند: امپراتوری یکپارچه روم، به مرکزیت رم، از ایران شکست خورد و در مقابل ایران زانو زد. هر چند این حقیقت برای برخی ناخوشایند باشد.

۴- برجسته کردن تبار عربی امپراتور روم (فیلیپ عرب)

زیدآبادی در ادامه می‌نویسد: «گویا آنکه در مقابل شاپور اول زانوزده والریانوس نیست و مارکوس یولیوس فیلیپوس معروف به فیلیپ عرب است!»

هدف از این ادعا روشن است: حذف تصویر شکست «غرب» و تقلیل آن به یک فرد «عرب»! اما ۲ واقعیت مغفول است: نخست اینکه در نقش‌برجسته نقش رستم، هر ۲ امپراتور روم، والرین و فیلیپ عرب، حضور دارند و حالت والرین در این نقش‌برجسته، تسلیم و اسارت است. او پیاده در برابر شاپور اول ایستاده و شاه ساسانی مچ دست او را به نشانه اسارت گرفته است. دوم اینکه فیلیپ عرب که در نقش رستم، نیز در مجسمه رونمایی شده زانوزده است، سال‌ها امپراتور روم بود و در زمان او بود که جشن «هزارمین سال تأسیس رم» برگزار شد. بنابراین او نیز نماینده رسمی امپراتوری روم و غرب است، جدا از تبارش.

برگزاری رویداد «شب ایران» و رونمایی از مجسمه‌ای که در آن امپراتوران متجاوز رومی در برابر ایران زانو زده‌اند، اقدامی ارزشمند و درخور تحسین است. اینگونه یادآوری‌های تاریخی باید استمرار یابد، زیرا نمادهای تاریخی ابزارهایی زنده برای بازتعریف هویت در جهان امروزند. هر جامعه‌ای که تاریخ خود را در قالب نمادهای عمومی بازآفرینی کند، در حقیقت قدرت نرم خویش را بازسازی کرده است. این مساله هنگامی روشن‌تر می‌شود که آن را کنار تجربه‌ای قرار دهیم که سال ۱۳۹۴ رخ داد. چند ماه پس از اعلام موافقت ایران با برجام، آقای روحانی سفری رسمی به ایتالیا داشت. محل امضای تفاهمنامه‌ها میان ایران و ایتالیا، به طرزی بی‌سابقه، موزه کاپیتولین (Capitoline) انتخاب شد؛ رئیس‌جمهور ایران را درست زیر پای مجسمه امپراتور «مارکوس آئورلیوس» نشاندند. این انتخاب کاملاً نمادین بود: امپراتوری که نقش مؤثری در آخرین دوره جنگ‌های روم با اشکانیان داشت و بخش‌هایی از ایران - از جمله ارمنستان - را تصرف کرد، اکنون برتری غرب بر ایران را روایت می‌کرد. بعید است تصور کنیم چنین مکان و زمانی بدون منظور انتخاب شده باشد؛ قرار دادن رئیس‌جمهور ایران زیر سم اسب مجسمه امپراتوری که زمانی ایران را شکست داده بود، آگاهانه بود و پیامی سیاسی داشت: ایران دوباره مغلوب غرب شده است. جالب آنکه در آن مقطع، هیچ‌یک از منتقدان امروز - از جمله آقای زیدآبادی - درباره «جنبه‌های آزاردهنده میراث تاریخی» سخنی نگفتند. تحقیر رئیس‌جمهور ایران با ارجاع به یک شکست تاریخی برای جریان غرب‌گرا حساسیت‌برانگیز نبود اما امروز یادآوری شکست رومیان از ایران ناگهان «مساله» شده و موجی از یادداشت‌ها علیه آن منتشر می‌شود. این دوگانگی، خود گواه روشنی است از اینکه اعتراض‌های اخیر نه از سر دغدغه تاریخی یا اخلاقی، بلکه با هدف متوقف کردن روند مبارکی است که پس از جنگ ۱۲ روزه آغاز شده: روند بازتعریف هویت اسلامی–ایرانی با تکیه بر تاریخ کهن ایران‌زمین. از زمان اشاره رهبر انقلاب اسلامی به خواندن سرود «ای ایران» در شب عاشورا، نوعی توجه دوباره به عناصر هویت ایرانی در جبهه انقلاب شکل گرفت. نصب مجسمه «آرش کمانگیر» در تهران حلقه‌ای از همین روند بود. اکنون نیز ساخت و رونمایی مجسمه زانو زدن امپراتور روم در برابر ایران اقدامی مهم و دقیقاً در امتداد بازتعریف هویت ملی - تمدنی ایرانی است؛ اقدامی که باید از طراحان و برگزارکنندگان آن قدردانی کرد.

در برابر این مسیر، نباید از نهیب‌ها و اعتراض‌های جریان غرب‌گرا دلسرد شد. فرزندان حقیقی ایران کهن و کورش نه سلطنت‌طلبانند و نه غرب‌زدگان. وارث تاریخ چند هزار ساله ایران میلیون‌ها ایرانی انقلابی‌اند که در ۲ جنگ تحمیلی ۸ ساله و ۱۲ روزه از این سرزمین دفاع کردند و مرزهای ایران مدیون همین مردم است. مسیر بازسازی هویت انقلابی ایرانی، با تکیه بر نمادهای تاریخی، ضرورتی راهبردی است و باید با قدرت دنبال شود.

اعتراف روزنامه واشنگتن‌پست درباره حمله احتمالی جدید علیه ایران:

جنگ جواب نمی‌دهد

گزارش
حسین کیامنش

در شرایطی که حدود ۵ ماه از پایان جنگ ۱۲ روزه می‌گذرد، فاصله میان ادعاهای اولیه مقامات آمریکایی و صهیونیست با واقعیت‌های امروز کاملا آشکار شده است. دونالد ترامپ بارها گفته بود تاسیسات و برنامه هسته‌ای ایران کاملا و برای همیشه نابود شده و بنیامین نتانیاهو هم این حملات را عاملی پایان‌بخش به برنامه هسته‌ای ایران توصیف کرده بود. حال روزنامه واشنگتن‌پست، در مطلبی که در روزهای اخیر منتشر کرد، به شکل بسیار روشنی این شکاف را برجسته کرده است. این روزنامه نوشت: حملات آمریکا و اسرائیل نه‌تنها به برنامه هسته‌ای ایران پایان نداد، بلکه حتی برای ایران زمان هم خرید. به نوشته واشنگتن‌پست، ایران همچنان از ورود بازرسان آژانس به سایت‌های بمباران‌شده جلوگیری می‌کند و حاضر نیست مقدار دقیق اورانیوم با غنای ۶۰ درصد خود را اعلام کند. نکته مهم‌تر، نتیجه‌گیری این رسانه آمریکایی است. واشنگتن‌پست صراحتا می‌نویسد یک عملیات نظامی نمی‌تواند به طور دائم پیگیری برنامه هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی را متوقف کند. جنگ بعد اجتناب‌ناپذیر نیست اما جلوگیری از آن نیازمند پذیرش این واقعیت است که مشکل همچنان پابرجاست و تنها با دیپلماسی پشتیبانی‌شده توسط تهدید معتبر نظامی قابل حل خواهد بود. این روزنامه همچنین به موضوع همکاری فزاینده ایران و چین اشاره می‌کند. به نوشته واشنگتن‌پست، در حالی که روسیه در اوکراین گرفتار است، چین فرصت را غنیمت شمرده و روابط نظامی - اقتصادی خود با تهران را عمیق‌تر کرده است. به ادعای این روزنامه، ایران به دنبال خرید سامانه‌های پدافند هوایی، رادارهای دوربرد و حتی جنگنده از چین است. واشنگتن‌پست هشدار می‌دهد گسترش روابط تهران - پکن نه‌تنها می‌تواند دولت ایران را در کوتاه‌مدت تثبیت کند، بلکه تعادل منطقه‌ای را به ضرر اسرائیل تغییر دهد. به همین دلیل هم خطاب به دولت آمریکا تأکید می‌کند باید به پکن پیام روشنی بدهد: فروش تسلیحات پیشرفته به ایران، روابط چین را نه فقط با واشنگتن و تل‌آویو، بلکه با ریاض و ابوظبی هم دچار اختلال جدی خواهد کرد.

در مجموع، تحلیل واشنگتن‌پست نشان می‌دهد تجربه عملی جنگ ۱۲ روزه برای تصمیم‌گیران آمریکایی و اسرائیلی یک نتیجه‌گیری مشخص به همراه داشته: حمله نظامی، حتی در مقیاس بسیار بزرگ، دیگر نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را به طور کامل و دائم از بین ببرد. از طرفی، در صورت وقوع جنگ مجدد، شرایط مانند جنگ قبل نخواهد بود و ایران با قدرت بیشتر و در ابعاد گسترده‌تر پاسخ حملات را خواهد داد.

جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، به رغم صدماتی که به تهران وارد کرد، برای تل‌آویو هم بی‌هزینه نبود. فارن افرز در تحلیلی جامع تأکید می‌کند این جنگ، محدودیت‌های ساختاری اسرائیل را به وضوح آشکار کرد؛ اینکه سامانه‌های دفاع موشکی تل‌آویو از مقابله با موشک‌های ایرانی ناتوان هستند، اقتصاد اسرائیل تحمل جنگ بی‌پایان را ندارد و سیاست داخلی‌اش نیز پس از ۲ سال درگیری در غزه بشدت متشنج شده و مهم‌تر از همه آنکه ارتشش همچنان بشدت وابسته به تأمین تسلیحاتی و لجستیکی ایالات متحده است. رژیم صهیونیستی اساسا توان یک جنگ فرسایشی با ایران را ندارد و هرگونه حمله مجدد، نه‌تنها با پاسخ موشکی سنگین‌تر و دقیق‌تر ایران مواجه خواهد شد، بلکه اسرائیل را در موقعیتی قرار خواهد داد که بدون پشتیبانی مداوم و نامحدود آمریکا، حتی چند روز هم دوام نیاورد.

به اذعان فارن افرز، این وابستگی عمیق که در درخواست‌های اضطراری مکرر اسرائیل از واشنگتن در ۲ سال گذشته آشکار شده، به عنوان یک آسیب‌پذیری راهبردی غیرقابل جبران در درگیری‌های طولانی‌مدت، مورد توجه قدرت‌های منطقه قرار گرفته است.

به این دلایل است که واشنگتن‌پست با اشاره تلویحی نسبت به شکست پروژه اسرائیل و آمریکا در نابودی برنامه هسته‌ای ایران، پیشنهاد می‌کند ایالات متحده حالا باید به سمت یک استراتژی سه‌جانبه حرکت کند: اول اینکه تهدید نظامی خود علیه ایران را حفظ کند تا گزینه زور کاملا کنار گذاشته نشود، دوم تحریم‌های بیشتری علیه تهران اعمال کرده و پروژه فشار حداکثری را نیز تشدید کند و سوم، از در گفت‌وگو با ایران وارد شده و سیگنال‌هایی را برای ترغیب تهران به آمدن پای میز مذاکره ارسال کند. اگرچه هدف واشنگتن‌پست تصویرسازی از شکست آمریکا و اسرائیل در مقابل ایران نیست اما در واقع پذیرش غیرمستقیم این واقعیت است که پس از ناکامی نظامی در جنگ ۱۲ روزه، تنها راه مدیریت بلندمدت مساله هسته‌ای ایران، بازگشت به دیپلماسی مبتنی بر ترکیب فشار و مذاکره است؛ دقیقاً همان چیزی که واشنگتن‌پست آن را دیپلماسی پشتیبانی‌شده توسط تهدید معتبر نظامی می‌نامد. تاکید واشنگتن‌پست بر فریب ایران با مذاکره در حالی است که انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک که به عنوان یکی از صریح‌ترین حامیان اسرائیل در فضای فکری آمریکا شناخته می‌شود، در گزارشی که اخیرا منتشر کرده، به این واقعیت اشاره دارد که «ایران هیچ حس فوریتی برای مذاکرات هسته‌ای ندارد و نه‌تنها از جنگ دوباره هراس ندارد، بلکه خود را برای آن آماده‌تر از قبل می‌بیند و مانند کشوری عمل می‌کند که کاملا مطمئن از وضعیت استراتژیک خود است».

عراق پس از انتخابات پارلمان تازه، مناسبات تازه‌تر

نگاه
سیدهادی سیدافقهی

انتخابات دوره ششم پارلمان عراق، در ظاهر صحنه‌ای از رقابت چند فهرست و تغییرات عددی در کرسی‌ها بود اما در عمق، عراق را وارد مرحله‌ای کرد که می‌تواند ماهیت نظم سیاسی این کشور را در دهه پیش رو دگرگون کند. در این بین، نتایج اولیه و پیشتازی‌های برون‌پارلمانی نباید با نتیجه نهایی اشتباه گرفته شود. عراق، برخلاف تصور برخی، از مرحله شکنندگی گذشته و وارد فازی از «بلوغ انتخاباتی» شده که پیامدهای آن از بغداد تا واشنگتن و تل‌آویو را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

■ پارلمان عراق؛ جایی که وزن واقعی بازیگران مشخص می‌شود

در نگاه نخست، پیشتازی لیست‌های وابسته به «محمد شیاع السودانی» و ائتلاف تقدم به رهبری «محمد حلبوسی» توجه‌ها را جلب کرد. اما در عراق معیار اصلی قدرت، «نتیجه بیرون از پارلمان» نیست، بلکه توانایی ایجاد بزرگ‌ترین فراکسیون در زیر سقف پارلمان تعیین‌کننده است. بر اساس نظام‌نامه داخلی مجلس، نهادی که بتواند فراکسیون اکثریت را بسازد، اختیار معرفی نخست‌وزیر و تشکیل دولت را به دست خواهد گرفت. اینجاست که نقش جریان‌های شیعی برجسته می‌شود. مجموعه این جریان‌ها از گروه‌های بزرگ گرفته تا لیست‌های کوچک‌تر در مجموع ۱۹۶ کرسی کسب کرده‌اند؛ رقمی که از زمان سقوط صدام تاکنون بی‌سابقه است. این حجم از حضور شیعیان نشان می‌دهد بر خلاف برخی پیش‌بینی‌ها درباره کاهش مشارکت شیعیان یا احتمال بازگشت نیروهای نزدیک به حزب منحل بعث، جامعه عراق به سمت تثبیت موقعیت سیاسی خود حرکت کرده است.

■ دموکراسی توافقی؛ معادله‌ای که مانع تک‌صدایی می‌شود

اگرچه این ۱۹۶ کرسی ظرفیت بالقوه قابل توجهی برای جریان‌های شیعی ایجاد می‌کند اما در عراق برتری عددی به تنهایی تعیین‌کننده نیست. ساختار سیاسی عراق بر پایه «دموکراسی توافقی» بنا شده است؛ شیوه‌ای که در آن جناح‌های مختلف شیعه، سنی و کرد ناچارند برای تعیین سران سه‌گانه بر سر تقسیم مناصب به تفاهم برسند. این اتفاق باعث می‌شود حتی پیشتازی سودانی نیز تضمین‌کننده نخست‌وزیری مجدد او نباشد. ۲ رقیب جدی سودانی، یعنی ائتلاف تقدم و ائتلاف دولت قانون، به هیچ‌وجه قصد واگذاری میدان را ندارند. مهم‌تر آنکه بخش‌هایی از «چارچوب هماهنگی» بویژه نوری مالکی که در دوره گذشته حامی سودانی بودند، اکنون با تداوم نخست‌وزیری او مخالفند.

ادامه در صفحه ۸